

حاکمیت قانون

اثر تام بینگهام

برنده جایزه اورول

برای بهترین کتاب سیاسی سال ۲۰۱۱

ترجمه : سمیه قدیری

وکیل پایه یک دادگستری

با همکاری:

دکتر امید نصیرپور

حسین قدیری

سرشناسه	: بینگهام، تامس هنری، ۱۹۳۳ - ۲۰۱۰م.
عنوان و نام پدیدآور	: Bingham, T. H. (Thomas Henry) حاکمیت قانون/اثر تام بینگهام؛ ترجمه سمیه قدیری با همکاری امید نصیرپور، حسین قدیری.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات هراز، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۴ص.
شابک	: 978-600-508616-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: The role of law, 2010.
موضوع	: حکومت قانون
موضوع	: Rule of law
موضوع	: حقوق بشر
موضوع	: Human rights
موضوع	: حقوق -- انگلستان
موضوع	: Law -- Great Britain
شناسه افزوده	: قدیری، سمیه، ۱۳۶۶-، مترجم
شناسه افزوده	: نصیرپور، امید، ۱۳۵۸-، مترجم
شناسه افزوده	: قدیری، حسین، ۱۳۷۲-، مترجم
رده بندی کنگره	: K۳۷۱
رده بندی دیویی	: ۳۱۰/۱۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۰۳۸۳۵

شناسنامه کتاب:

نام کتاب: حاکمیت قانون

نویسنده: تام بینگهام

مترجم: سمیه قدیری

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

قیمت کتاب: ۴۵ هزار تومان

ناشر: انتشارات هراز

فهرست موضوعات

۶	مقدمه
	بخش اول
۹	(۱) اهمیت حاکمیت قانون
۱۷	(۲) تاریخچه اصل حاکمیت قانون
	بخش دوم
۴۳	(۳) در دسترس بودن قانون
۵۴	(۴) قانون، نه صلاحدید شخصی
۶۱	(۵) تساوی در برابر قانون
۶۵	(۶) اعمال قدرت
۷۱	(۷) حقوق بشر
۹۰	(۸) حل اختلاف
۹۶	(۹) یک دادرسی عادلانه
۱۱۶	(۱۰) حاکمیت قانون در نظام حقوقی بین المللی
	بخش سوم
۱۳۶	(۱۱) تروریسم و حاکمیت قانون
۱۶۲	(۱۲) حاکمیت قانون و حاکمیت پارلمان
۱۷۲	سخن آخر

مقدمه

در سال ۲۰۰۶ از من خواسته شد تا ششمین سخنرانی آقای دیوید ویلیامز را در دانشگاه کمبریج ارائه نمایم. این کنفرانس هر سال به منظور بزرگداشت یک حقوقدان بسیار ارجمند و رئیس آن دانشگاه برگزار می گردد. برگزار کنندگان کنفرانس در انتخاب موضوع سخنرانی به من اختیار تام دادند. به من امکان اعطای چنین اختیاری برای افرادی که همانند من فاقد قوه تخیل و ابتکار هستند مشکل آفرین است. زیرا در مدرسه و دانشگاه برای تهیه مقالات هفتگی اغلب موضوع مشخصی به ما داده می شود و لذا ما با این شیوه مانوس هستیم. در عمل نیز چنین است زیرا موکلین مشکوکین برای وکلا مطرح کرده و تقاضای ارائه راه حل برای آن مشکل مشخص می نمایند و به دعوی معنی را در دادگاه مطرح کرده و خواستار حل و فصل آن توسط قاضی هستند. لذا در مشغله حقوقی هرگز ساله انتخاب و اختیار مطرح نمی شود.

برای سخنرانی فوق موضوع حاکمیت قانون برگزیدم. دلیل انتخاب من این بود که اگرچه این اصطلاح همواره مورد استفاده عموم است اما دایره مفهوم این اصطلاح کاملاً مطمئن نبودم، و هم چنین اطمینان نداشتم که تمام کسانی که این اصطلاح را به کار می برند مفهوم این اصطلاح را می دانند و یا اینکه آیا این اصطلاح برای تمام کسانی که آن را به کار می برند معنای واحدی دارد یا نه؟ به هر روی از نظر من این موضوع جایسته تأمل و تعمق بوده و از طرفی این اصطلاح برای نخستین بار در یکی از قوانین مصوب پارلمان بریتانیا به کار برده شده و بعنوان یک اصل اساسی موجود توصیف شده است. پس از ارائه سخنرانی، خبرنگاران حقوقی روزنامه های مهم و برجسته به این سخنرانی توجهی نشان ندادند و طبعاً موضوع آن را موضوعی قدیمی و تکراری تلقی کردند، از آنجایی که موضوع منتخب من در خصوص نقد و نكوهش دولت نبود لذا طبیعی است که مورد علاقه خبرنگاران نباشد. اما در بیست و پنجم نوامبر سال ۲۰۰۶ مارتین کتل در گاردین نوشت که این موضوع حائز اهمیت بوده و امروز ما نیازمند رهبرانی هستیم که درک بهتری از اصل حاکمیت قانون داشته باشند. و در همان روز این جمله در تیتل روزنامه نوشته شد: آیا این قاضی انقلابی ترین مرد بریتانیاست؟

روزنامه ای که دو سال قبل تر از ارائه این سخنرانی، من را بعنوان " فرد رادیکال و تندروی که انقلاب جدید انگلستان را رهبری می کند " توصیف کرده بود. جمله ای که قطعاً موجب شگفتی استاد تاریخ سابق من کریستوفر هیل که مورخی برجسته است خواهد شد. به هر حال سوالی که در روزنامه مطرح شده بود بی پاسخ ماند و کسانی که در این کتاب در جستجوی طرحی برای یک اقدام انقلابی هستند ناامید خواهند شد. از نظر من از آن زمان، علاقه به این موضوع افزایش یافته و با نگرانی هایی که در مورد روابط متقابل اصل حاکمیت قانون و حقوق بشر و آزادی های مدنی از یک طرف و امنیت در برابر حملات تروریستی از طرف دیگر وجود دارد اهمیت این موضوع برجسته تر شده است. بدیهی است این موضوع گسترده تر از آن است که در قالب یک سخنرانی مورد بررسی قرار بگیرد. با این وجود در نگارش کتاب حاضر از مطالب آن سخنرانی و سایر سخنرانی هایم در خصوص این موضوع بسیار استفاده کرده ام. هم چنین درم ذکر است که کتاب پیش رو توسط یک قاضی بازتستسته نوشته شده و وکلا مخاطب خاص آن نیستند، از طرفی کتاب درسی نیز محسوب نمی شود. مخاطب این کتاب تمام کسانی هستند که در مورد اصل حاکمیت قانون شنیده اند، کسانی که تمایل دارند که فکر کنند این اصل، چیز خوبی به نظر می رسد، کسانی که فکر می کنند که آیا ممکن است این اصل خیلی مهم نباشد اما کاملاً مطمئن نیستند که این اصل دقیقاً راجع به چه موضوعی است و میخواهند که در این خصوص تصمیم خود را بگیرند.

فصل یک بخش اول این کتاب با عنوان کلی عمومی راجع به این موضوع که اصل حاکمیت قانون در بریتانیای امروز و سایر دموکراسی های لیبرال چه مفهومی دارد و چرا حائز اهمیت است شروع میشود. در فصل دوم نقاط عطف تعیین مفهوم اصل حاکمیت قانون به شکل امروزی خود بررسی می شود. من در انتخاب این نقاط عطف تاریخی، بسیار گزینشی عمل کرده و بریتانیا و انگلستان را محور بحث قرار داده ام. سایر افراد که اطلاعات بیشتری دارند ممکن است حوادث تاریخی دیگری را بعنوان نقاط عطف انتخاب کنند. اصول اصل حاکمیت قانون برگزینند، و به صورت گسترده تری بحث نمایند. اما من انتخاب های خود را دارم، گرچه ممکن است برخی از آنها عجیب و غریب به نظر برسند، زیرا بریتانیا دارای تاریخ پختخار در این زمینه است، تاریخی که انچنان که باید شناخته نشده است. ممکن است کسانی که دچار ضیق وقت هستند تمایلی به مطالعه فصل دوم نداشته باشند و مستقیماً از فصل سوم کتاب مطالعه خود را آغاز نمایند، اما میدوارم چنین اتفاقی نیفتد زیرا این فصل از کتاب کمک می نماید تا بدانیم که چگونه به آنجا رسیده ایم (هم چنین تاریخ به خودی خود موضوعی جالب است). بخش دوم کتاب، که فصل های سه تا ده را در برمیگیرد مهم ترین بخش کتاب است، و در این بخش من سعی کرده ام که قسمت های تشکیل دهنده تعریف کلی اصل حاکمیت قانون را تشریح نمایم.

بخش سوم کتاب در خصوص دو موضوع کلی است. در فصل یازده تاثیر تروریسم بر اصل حاکمیت قانون را بررسی کرده ام و این که آیا همانگونه که تونی بلر در پنجم اگوست ۲۰۰۵ اظهار داشت قواعد بازی در حال تغییر هستند؟ در فصل دوازده تعامل حاکمیت پارلمان و اصل حاکمیت قانون بررسی شده است که مساله ای غامض است.

زیرا گفته می شود که اصل حاکمیت پارلمان و اصل حاکمیت قانون دو اصل اساسی هستند که اساس قانون اساسی و مشروطیت بریتانیا را شکل می دهند در حالی که نمی توانند به صورت کامل با هم هماهنگ بوده و همزیستی داشته باشند.

در تالیف این کتاب، خود را به شدت مدیون تمام دانشگاهیان و قضاتی می دانم که راجع به این موضوع با من بحث نموده اند، و نیز تمام وکلا و مشاوران حقوقی که در پرونده های بی شماری به اصل حاکمیت قانون استناد کرده و از آن حمایت کرده اند. اما از آقایان ریچارد مولز، متیو ایسلتر و نیکولاس گیبزن که از سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ به ترتیب دستیار من بوده اند و تقریباً تمام جستجوهای لازم برای دستیابی به اسناد و اطلاعات را انجام داده اند و دینا پروکتر که مانع ارتکاب بسیاری از خطاها در سال های زیادی از جانب من بوده است تشکری ویژه می نمایم. البته هیچ کدام از این افراد در سوئیتی در قبال اندیشه های من ندارند و حتی ممکن است با اندیشه های من مخالف نیز باشند. من همچنین از کیت سیماندر تشکر مینمایم کسی که در آپارتمان زیبای خود در بالای رودخانه تمز در لندن به من کمک نوشتن های مربوط به این کتاب را برای چند بار متوالی تایپ نمود. و در نهایت قدرداران زحمات و حمایت های بی دریغ کارولین داوئی بوده و از انتشارات پنگوئن که ایده نگارش کتاب و پخش همایش بسیار سودمندی را به من ارائه داد قدردانی می نمایم. در نهایت خود را ملزم می دانم که در دلیل از خوانندگان کتاب بوزش بطلبم. اول این که به جای به کار بردن اصطلاح "ضمیر مذکر" و "ضمیر مؤنث" یا "ضمیر ملکی مذکر" ضمیر فاعلی و ملکی سوم شخص مؤنث مذکر را به کار برده ام زیرا به این شیوه مانوس تر هستم. امیدوارم که این امر دلیلی بر داشتن جنسیتی و دیدگاه مردسالارانه از جانب من اطلاق نگردد. مورد دوم این که، به پرونده های که در آنها دخیل بودم به طور نامناسبی در رفرنس های پایانی اشاره کرده ام زیرا به این پرونده ها مانوس تر هستم. من نمی دانم اما شاید به همین دلیل بود که زمانی که الیزابت شوارتسکوپف (خواننده سوپرانو اپرا و مدرس موسیقی آلمانی الاصل اهل بریتانیا و اتریش) در برنامه دزرت ایلند دیسکس رادیو بی بی سی حضور یافت، (در این برنامه از افراد سرشناس پرسیده می شود که اگر در جزیره ای دورافتاده و فاقد سکنه گیر کنند دوست دارند چه موسیقی یا کتابی همراه داشته باشند) آثار خود را برای گوش دادن در انزوای خود برگزید.